

حج فقرا

مروری بر آداب سفر زیارتی امام رضا (ع) از منظر فرهنگ مردم

حسین رحمتی^۱

مقدمات سفر و بدرقه مسافر

فصل پاییز معمولاً فصل سفرهای زیارتی است از جمله دلایل این انتخاب هم مساعد بودن وضعیت آب و هوا و سازگاری این فصل با فراغت‌های بعد از برداشت محصولات کشاورزی است. در قدیم الایام در مناطقی از شاهرود به ویژه ابراهیم‌آباد میامی مردم پس از برداشت محصول کشاورزی و دامداری وقتی آمادگی حرکت پیدا می‌کردند روز حرکت خود را به اطلاع فامیل و وابستگان می‌رساندند. سه شبانه روز در روستا چاووش خوانی راه می‌افتاد و مردم از آماده شدن زائرین مطلع می‌شدند، دید و بازدید شبانه بیشتر بود.

۱. حسین رحمتی متولد ۱۳۲۷ ابراهیم‌آباد میامی استان سمنان و از فرهنگیان فعال واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صدا و سیما است که در زمینه جمع‌آوری فرهنگ مردم و بخصوص جمع‌آوری و برپایی نمایشگاه‌های صنایع دستی و شناسنامه‌دار کردن اشیاء موزه فعالیت می‌کند.

* تنظیم مقاله توسط علی‌آنی‌زاده، کارمند پژوهش واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صدا و سیما انجام گرفته است. anizadeh@yahoo.com

اکثر این مسافرتها گروهی بود و مردم با سفارش به زوار که سلام ما را به آقا برسانید، التماس دعا داریم، در زیارت آقا دوستان را فراموش نکنید زوار را بدرقه می کردند. صبح حرکت با چاوشی سفر آغاز می شد و زوار از زیر قرآن^۱ رد می شدند و با دود کردن اسپند در پیش روی آنها و ریختن آب^۲ در پشت سر، آنها را مشایعت می کردند.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. قرآن، آب و اسپند از عناصر اساسی و اصی در مراسم بدرقه زائران است. در مناطق دیگر ایران عناصر دیگری چون آئینه، سبزی و خاک تیمم به صورت جداگانه یا ترکیبی در کنار قرآن و آب و اسپند مورد استفاده قرار می گیرد.

۲. پشت سر زائر آب می ریزند به این معنی که مانند آب روان برود و در راه ناراحتی و پیشامدی برایش پیش نیاید و زودتر برگردد. در بعضی جاها بعد از رفتن زائر درب خانه زائر را نمی بندند خانه ایشان را جارو نمی زنند و چراغش را خاموش نمی کنند.

چاووش خوانی

چاووش خوانی سمبل سفرهای زیارتی بود زیرا بدون حضور چاووش خوان، سفر زیارتی شور و هیجان نداشت. فعالیت چاووش خوان در کاروان زیارتی متنوع بود؛ مثل اعلام زمان مسافرت، آماده سازی فضای بدرقه و استقبال از زائران با خواندن اشعار مذهبی. چاووش خوانها معمولاً از میان سادات و افراد خوش صدای محل و گاه نیز مداحان یا روحانی های محل انتخاب می شدند. این افراد به صورت رایگان و برای رضایت خدا و در موارد نادر با دریافت وجه، جنس یا هزینه مسافرت به این کار مبادرت می ورزیدند. کلام چاووش خوان های ابراهیم آباد به هنگام مشایعت مسافر مشهد اینگونه بود:

ز تربت شهدا بوی سیب می آید ز طوس بوی رضای غریب می آید
 رضا به جانب طوس حسین به کربلا رضا غریب است و بوی غریب می آید
 برو به مشهد شاه رضا زیارت کن ببین که بوی رضای غریب می آید
 ای غریبی که زجد و پدر خود جدایی خفته در خاک خراسان تو غریب الغریبایی
 اغنیا مکه روند و فقرا سوی تو آیند جان به قربان تو آقا که حج فقرایی
 یک طواف مرقدش فرموده پیغمبر است هفت هزار و هفتصد و هفتاد حج اکبر
 است

مردم در انتهای ده با التماس دعا و خداحافظی بر می گشتند. دوستان و فامیل در موقع حرکت مقداری سر راهی^۱ به زائر می دادند که عبارت بود از: کشمش، مویز، بادام، گردو، برگنی (گندم بریان شده)، انواع نان، کاک، نان فطیر و قلیفی بود. هر کس سر راهی می داد موقع برگشت برای او سوغاتی می آوردند. به بچه ها هم چند قرانی پول می دادند و از آنها می خواستند که در بین راه از محصولات ناقابل آنها استفاده کنند. هر کس نذری داشت مقداری گندم یا وجه آن را می داد تا آن زائر برای کفترهای امام

۱. رسم سر راهی دادن در مناطق دیگر ایران هم مرسوم است که با نام های دیگری چون «اقر راهی»، «فتح راهی»، «خرجی»، «جیب خرجی» و «گشاد راه» خوانده می شود.

رضا(ع) در محل تعیین شده بریزد و در موقع زیارت آنان را فراموش نکنند. مراسم خداحافظی و مشایعت اهالی، خویشاوندان و نزدیکان زائر با پیمودن مقداری از راه و همراهی مسافر تا مکان معینی مانند امامزاده، ابتدای جاده اصلی، قهوه‌خانه بین راهی یا چند کیلومتر خارج از محدوده روستا ادامه داشت. در میامی مرسوم بود وقتی کاروان به راه می‌افتاد دو نفر از جوانان فامیل با اسب تا یک منزل راه از ابراهیم آباد تا میاندشت آنان را همراهی می‌کردند. کاروانسرا از ابنیه‌های قدیم معروف به شاه عباسی بود که بنای آجری قابل و معتبری داشت. دو باب کاروانسرای دیگر هم بود که تلگراف‌خانه یا چاپارخانه در آن قرار داشت و دارای دو باب آب انبار بود که یک آب انبار پله می‌خورد تا سر قنات و سومین آب انبار در بیرون کاروان سرا بود. در این کاروان سرای میان دشت و بیرون آنها بیست هزار نفر می‌توانستند منزل نمایند. در این کاروانسرا امکانات رفاهی به همراه آب انبار عالی با محلی برای علیق واسطبل حیوانات موجود بود.

برای شتران سفره می‌گسترده؛ در پیش روی حیوان که خوابیده بود علوفه را روی پاره بافته‌ای می‌نهادند و در مسیرهای دور مقداری خمیر آرد جو به حیوان می‌خورانیدند که توان حیوان در مسیرهای دور بیشتر می‌شد و بعد از اتراق و رفع خستگی صبح روز بعد بزرگ کاروان از جوانان مشایعت کننده تشکر می‌کرد و آنان را برمی‌گرداند. پس از رفع خستگی کاروان حرکت می‌کرد که صدای بانگ جرس(ناقوس، گورگه) و زنگ شتران به کاروانیان حالت غیر قابل توصیف می‌داد و چاوش خوان‌ها را به ذکر منقبت آقا امام هشتم (ع) وا می‌داشت - منزل به منزل طی منازل شوق زیارت در دل می‌آمد - چشم‌ها به راه و دل‌ها به کعبه آمال دوخته می‌شد. ساربانان در راه هنگام آب خوردن شتران آواز حنار زمزمه می‌کردند. مهم ترین منازل بین راه بعد از میاندشت، قدمگاه نیشابور بود که بارگاهی عالی داشت اما داخل گنبد فاقد ضریح بود. در این مکان اثر پائی منقوش بر تخته سنگی در دیوار گنبد نصب شده است که پیران و بزرگان که فرهنگ و سنن را سینه به سینه به نسل‌های بعد می‌رسانند می‌گویند اثر پای حضرت است که بر سنگ نقش گرفته است، سنگ دیگری هم بر دیوار امامزاده مخروب نیشابور نصب شده که می‌گویند روی این دو سنگ چوپانان و رهگذران نان و

کماج می‌پختند و حضرت موقع عزیمت به خراسان پای مبارک بر سنگ نهادند و اثر آن نقش بست و امروزه مردم به آن تبرک می‌جویند.

در یک سمت گنبد چشمه آبی منصوب به چشمه حضرت که بسیار گوارا می‌باشد روان است، می‌گویند مردم بر اثر خشکسالی از حضرت تمنای آب نمودند و حضرت عصای خود را در آن مکان به زمین زده و آب جوشیدن گرفت و هنوز هم مایه خیر و برکت مردمان و مسافری در آنجاست. در قدمگاه از برکت آب چشمه شیر، ماست، کره، پنیر، سرشیر و انواع میوه‌جات شامل انگور، زردآلو، گیلاس، آلبالو و هلو فراوان و ارزان است. در مطلع الشمس نوشته شده که این چشمه همان آبی است که برای وضوی حضرت رضا (ع) پدید آمد و مردم بدان استشفای می‌نمودند.

گنبد نما



بعد از
حرکت
از قدمگاه
کاروان
در آخرین منزل
به تپه سلام
می‌رسد که
مشرف شهر
مشهد مقدس
می‌باشد و
ایستگاه راه

آهن هم نرسیده به ایستگاه مشهد به نام ایستگاه سلام می‌باشد. در پایین تپه کاروان می‌ایستاد و زوار پیاده می‌شدند و در حد توان به ساربانان و کارگران کاروان وجهی به عنوان گنبد نما می‌دادند و می‌خواندند:

قدسیان بهر سلامش قافله در قافله
 عرشیان بهر طوافش کاروان در کاروان
 بار بندند هر دم جانب عرض السماء
 بال بگشایند هر گه بر مکان لامکان
 با چنین رتبت بود یا لیتی کنت تراب
 عرش را بر خاک پاک حضرتش ورد زبان

و پیاده با چاوشی تا بالای تپه رفته و از دور محو برق گنبد طلا و گلدسته‌های حرم پر شکوه آقا می‌شدند و واقعاً خستگی راه را فراموش می‌نمودند. در آنجا زیارت نامه حضرت و زیارت عاشورا می‌خواندند و اشک شوق در چشمانشان حلقه می‌زد و عرض سلامی خدمت آقا نثار می‌کردند. پس از رفع خستگی کاروان راه می‌افتاد و در اندک مدتی به مقصد می‌رسیدند. سالهای بعد که مسیرهای مهم در ایران ماشین‌رو شد و مردم با اتوبوس به زیارت حضرت می‌رفتند پس از رسیدن به تپه سلام راننده ماشین را نگه می‌داشت و شاگرد شوفرها مژده رسیدن به تپه سلام را می‌دادند و کلاه خود را جلوی مسافری می‌گرفتند مسافری مقدار پول به عنوان گنبد نما در کلاه شاگرد می‌ریختند و این وجه برای شاگرد جمع می‌شد. سپس تا بالای تپه با چاوشی می‌رفتند و به انجام مراسم یاد شده مشغول می‌شدند. منزل بعدی شهر مشهد بود و در کاروان سرایی اتراق می‌نمودند بزرگ کاروان مسکنی برای کاروانیان تهیه می‌نمود، پس از گزیدن مسکن و رفع خستگی و استحمام، ده روز یا بیشتر نیت اقامت می‌نمودند که نماز شکسته نخوانند و هر روز صبح - ظهر - شام به زیارت حرم آقا مشرف می‌شدند داخل صحن چون آب لوله کشی نبود برای شرب مردم هرکس نذری داشت و حاجت از آقا می‌خواست چند مشک آب خریداری می‌نمود و در سقاخانه اسماعیل طلائی می‌ریختند. سقاخانه را در صحن عتیق به امر نادر شاه ساخته و به خشت‌های طلا مزین

۱. زایران مشهد نذر می‌کردند که ده روز یا بیشتر برای زیارت بمانند و معتقدند که روز بازگشت نباید از حضرت رضا خداحافظی کرد تا دوباره به زیارت نایل شوند.

نمودند. حوض سقاخانه سنگ یک پارچه مرمر است که نادر شاه از هرات آورد و تقریباً سه گُر آب می‌گیرد. سهم نادر از مزرعه ده سنگ وقف سقاخانه است؛ سه سنگ بزرگ در این صحن است که در مشهد ممتاز است، اول سنگ سقاخانه مبارکه، دوم سنگی که بالای جوب مقابل پنجره فولادی گذاشته شده و سوم سنگ زیر نقاره خانه. آب سقاخانه را مردم به نیت شفا گرفتن حاجت می‌نوشتند. مناره بالای ایوان طلا را ظاهراً شاه طهماسب ابن شاه اسماعیل صفوی ساخته است گلدسته بالای محراب ایوان عباسی و طلا کاری هر دو گلدسته را نادر شاه انجام داده است.

هفت هزار و هفتصد و هفتاد و هفت خشت طلا نصب شد بر گنبد سلطان علی موسی الرضا(ع)

اشعار عامیانه مردم ابراهیم آباد دلپستگی مردمان را به گنبد طلایی آقا امام رضا به خوبی نشان می‌دهد:

امام رضا با گلدسته زوار میره دسته دسته

امام رضا با گلدسته زوار میره دستی بسته

بالای سر در خیابان علیا ساعت بزرگی نصب شده است. در پیشانی سر در زیر ساعت این رباعی از مرحوم میرزا سعید خان متولی نوشته شده است:

در حضرت شه چه گفت باید لبیک
اینجانه سلام رسم باشد نه علیک
این وادی قدس است نگه دار ادب
این عرش مقدس است فاخلع نعلیک
نقاره‌خانه حضرت در ایام عید و تولد معصومین (ع) یا موقعی که معجزه‌هایی از حضرت به ظهور می‌رسد به صدا در می‌آید و با صدای دلنشینش مردم را به خود می‌خواند:

خورشید جهان تا زخراسان سر زد
اندر دل خارجی هزار خنجر زد
از معجزه تو ای امام هشتم
از خشت طلا گل سفیدی سر زد
زوار در زیر سر در ساعت و سقاخانه با ادب ایستاده و سلامی نثار حضرتش

می‌کنند. شکر توفیق زیارت را به جا می‌آورند و در داخل صحن سراغ کبوتران حرم رفته و گندم‌های نذری را برای آنها می‌ریزند. لحظه‌ای محو پروبال زدن ودانه چیدن کبوتران می‌شوند؛ کبوتران حرم امام رضا مثل کبوتران کاظمین پس از چیدن دانه در محلی دور از حرم فضله می‌ریزند و پاکی همین کبوتران به افواه مردم مثل شده است که می‌گویند مگر کبوتر حرم امام رضا (ع) یا کبوتر کاظمینی. پهلوی ایوان طلا دو کفشداری بسیار با شکوه است که مناسب است این اشعار در آنجا درج شود:

در کفش کنت ستاده جبرئیل امین جاروب کشد به گیسوی حور العین
سازند غبار کفش زوار تو را کحل البصر ملائک علین

در طوس جلال کبریا می‌بینم بی پرده تجلی خدا می‌بینم
در کفش کن حریم پور موسی موسی کلیم با عصا می‌بینم
داخل حرم روبروی ضریح با حالتی وصف نشدنی مشغول زیارت می‌شوند و از آقا رفع گرفتاری حاجتمندان و خود را می‌خواهند سوغات خریداری شده را دور ضریح طواف داده و تبرک می‌کنند.

بعد از گرفتن زیارتنامه‌خوان و روضه‌خوان آداب زیارت را به جای می‌آوردند و این کار بیشتر روزها تکرار می‌شد و نذرها را ادا می‌کردند. دردمندان و حاجتمندان در نزدیکی ایوان طلای پنجره فولادی طنابی به گردن خود دخیل می‌بستند و بیشتر آنها مورد لطف آقا قرار گرفته و شفا می‌گرفتند. اگر موقعیتی بود به زیارت خواجه ابا صلت، خواجه ربیع و محل‌های دیدنی شهر می‌رفتند.

خبر سلامتی

اگر کاروانی بر می‌گشت همان روزهای اول نامه‌ای برای اعضای خانواده که نیامده بودند می‌فرستادند و از سلامتی خود و همراهان اطلاع می‌دادند در اول نامه نوشته بود: ای نامه که می‌روی به سوی من از جانب من ببوس رویش

هر صبح و شام که رو به حریم رضا کنیم اول دعا به جان شریف شما کنیم
گل گلاب گل عارض گل لاله خدا وجود شما از بلا نگه داره
جان مادر جان خواهر از خدا خواهم تورا، دردم دارا السیاده دردم دارا الحفظ
درب حاجات را بگیرم از خداخواهم تورا
و پس از احوال پرسی روز وارد شدن به مشهد مقدس را اطلاع می‌دادند.

بازگشت^۱ و پیشواز

در مدت اقامت سوغات دلخواه را می‌خریدند و روز برگشت فرا می‌رسید. پس از زیارت و وداع با حضرت به سمت وطن خود حرکت می‌کردند و در راه برگشت با سرعت بیشتری حرکت می‌کردند. پس از پیدا شدن سواد شهر یا آبادی و خریدار شدن مردم، فامیل و بستگان به استقبال می‌آمدند. پس از دیدار و عرض زیارت قبولی و جواب این که شما را فراموش نکردیم و عوض شما نایب‌الزیاره بودیم به سمت منزل حرکت می‌کردند. خواندن چاوشی در رفت و برگشت یکنواخت نبود و نوع اشعار تفاوت داشت:

ما سلام از روضه شاه رضا آورده‌ایم	روی پر گرد و غبار از آن سرا آورده‌ایم
بس که رخ مالیده‌ایم بر مرقد شاه رضا	بوی مشک و انبر و عطر گلاب آورده‌ایم
شکرالله شد نصیبم مشهد شاه رضا	یافتم بوی بهشت از مرقد شاه رضا
بر در اول که سقاخانه آن حضرت است	آب کوثر در میان شربت بیمارهاست
پا نهادم در حرم رفتم به نزدیک ضریح	قفل را بوسیدم و از جان و دل کردم دعا
سینی‌ای دیدم در آن دیوار آنجا نصب بود	زهر در انگور داده‌اند شاه را واحسرتا

۱. نگارنده در سفری از تهران به شاهرود به همین مناسبت شعر زیر را سروده است:

در توست شمیم تربت مولایم	دانم که زمشهد الرضا می‌آیی
افشان ز کرامت کرده‌ای بر بصرم	بینا شود دیده نابینائی
ده مژده وصلی که شوم زوارت	پرواز کنم به گنبد مینایی

مردم با زائرین به منزل می‌رسیدند و با اسپند استقبال می‌شدند همراهان پس از صرف چای و شیرینی خداحافظی نموده و به منزل خود می‌رفتند البته تا چند روز رفت و آمد و دیدار با زائرین مرسوم بود. به فامیل و کسانی که مد نظر بودند یا سر راهی داده بودند سوغاتی مناسب حال آنها مانند مهر، تسبیح و ظرفی نخود پخته داده می‌شد.



فهرست منابع

- ۱- حاج محمد هاشم ابن محمد علی خراسانی، منتخب التواریخ، بی جا.
- ۲- محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، بی جا.
- ۳- هاشمی، علیرضا (۱۳۸۴) مروری بر آداب سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی